

صفحه	عنوان
۱	مقدمه
۷	شرایط آمادگی برای ازدواج
۹	رسیدن به حداقل بلوغ
۴۱	رسیدن به ثبات و قرار
۴۳	رسیدن به استقلال و همبستگی
۴۹	برخورداری از سلامتی فیزیکی و روانی
۵۱	توانایی روحی و روانی زندگی مشترک داشتن
۵۳	تمایل بداشتن فرزند
۵۵	داشتن احساس مسئولیت و احساس تعهد
۵۷	داشتن اعتماد، اطمینان و احساس امنیت
۵۹	مهربان بودن
۶۱	حل مشکلات خانوادگی قبل از ازدواج
۶۳	درمان آسیبهای دوران کودکی، قبل از ازدواج
۶۵	توانایی نفر اول داشتن در زندگی
۷۱	شناخت کافی فرد از خویشان
۷۳	شناخت شخصیت و ویژگیهای جنس مخالف
۸۳	علاقه داشتن به فرد انتخابی برای ازدواج با دلایل عقلانی و عاطفی
۸۵	داشتن حداقل امکانات اقتصادی
۹۱	داشتن باورهای منطقی در مورد ازدواج
۹۷	پذیرش ریسک ازدواج
۱۰۱	تمام کردن روابط گذشته
۱۰۵	قوانین فردی مناسب داشتن
۱۰۹	نگرش انسانی داشتن به خود و دیگران
۱۱۱	مناسب بودن برای ازدواج
۱۱۵	منابع و مأخذ



پیشگفتار

بر اساس آماری که سازمان‌های رسمی اعلام می‌کنند، هر ساله از تعداد ازدواج‌ها کاسته می‌شود و بر آمار طلاق افزوده می‌شود، آیا واقعاً چنین است؟ مؤلفان این کتاب معتقدند که آمار طلاق آنچنانکه توسط سازمان‌های ذیربط اعلام می‌گردد بالا نیست، هر چند نسبت به گذشته افزایش یافته است. صحبت در مورد جدایی و طلاق در بین مردم، یک گفتگوی رایج شده است؛ بطوریکه افراد به دلایل مختلف درباره آن صحبت می‌کنند: برخی به علت کار و حرفه خود، عده‌ای برای کاهش ترس و نگرانی حاصل از تصور افزایش طلاق، بعضی‌ها برای شکستن قبح طلاق و اقدام به آن برای کاستن فشار خانواده و جامعه و برخی دیگر به سبب وجود طلاق در بین خویشاوندان و همسایگان درباره آن صحبت می‌کنند.

اما همچنانکه در بالا اشاره گردید: میزان جدایی و طلاق بر خلاف تصور عمومی در جامعه زیاد نمی‌باشد. به این معنا که آمار گرفتن در خصوص طلاق ساده نیست و یک روند پیچیده‌ای دارد. آماری که ادارات و سازمان‌ها و یا مردم می‌دهند با واقعیت مطابقت ندارد، فرض کنید: در ایران، امسال یک صد هزار ازدواج انجام شده باشد و یک صد هزار هم طلاق صورت گرفته باشد آیا می‌توان نتیجه گرفت که صد در صد طلاق وجود دارد؟ نه چون ازدواج در سنین خاصی انجام می‌شود ولی طلاق در سنین مختلف صورت می‌گیرد. فقط در یک صورت می‌توان گفت که طلاق صد در صد وجود دارد و آن زمانی است که تمام آن یک صد هزار ازدواج کرده‌ها اقدام به طلاق نمایند. با وجود این واقعیت‌ها نشان می‌دهد که طلاق نسبت به گذشته در همه سنین افزایش یافته است، بنابراین سوال اساسی این می‌باشد که چرا چنین وضعی پیش آمده است؟ در پاسخ به این سوال پژوهشگران به عوامل فردی و اجتماعی گوناگونی اشاره کرده‌اند و کتاب‌های زیادی در این خصوص نوشته شده است که البته در جای خود لازم و مفید است، ولی هدف این کتاب آن است که یکی از مهم‌ترین عوامل طلاق را که از دید افراد پنهان مانده است مورد بررسی قرار دهد، این عامل



مقدمه

کسب هر نوع مهارتی نیاز به تصمیم‌گیری درست، آموزش، تلاش و پشتکار دارد. به عنوان مثال اگر فردی بخواهد گواهینامه رانندگی بگیرد ابتدا باید در آموزشگاه رانندگی ثبت‌نام کرده و آیین‌نامه رانندگی را یاد بگیرد و پس از قبولی در امتحان آیین‌نامه، باید مهارت رانندگی کردن را یاد بگیرد و در صورت قبولی در امتحان، موفق به اخذ گواهینامه رانندگی شود.

ولی برای اجرای درست یک تصمیم و یک اقدام بسیار مهم در زندگی، نه آیین‌نامه‌ای می‌خوانیم و نه دوره‌ای می‌بینیم و نه مهارتی یاد می‌گیریم. این تصمیم مهم ازدواج و آن اقدام مهم تربیت فرزندان می‌باشد. در اکثر خانواده‌ها آموزشی برای ازدواج فرزندان وجود ندارد و تقریباً هیچوقت پدر و مادر به دختران و پسران خودشان درباره شیوه ازدواج، چگونگی انتخاب همسر، روش شناخت همسر آینده و راه‌های درست تحقیق در مورد او، چیزی یاد نمی‌دهند چون به آن‌ها هم در دوره جوانی چیزی یاد داده نشده‌است و در واقع خود پدران و مادران هم اطلاعات چندانی در خصوص شیوه صحیح ازدواج ندارند و متأسفانه خودشان نیز بدون تحقیق و بررسی و شناخت و در بعضی از موارد حتی بدون اختیار و انتخاب خود ازدواج کرده‌اند و به هر حال زندگی بد یا خوبی هم دارند؛ ولی آنچه که معمولاً خانواده‌ها و پدر و مادرهای امروزی در خصوص ازدواج فرزندان خود خیلی حساس هستند، داشتن ماشین، خانه، مهریه، جهیزیه و تعداد مهمانان و چشم و هم‌چشمی و تأکید بیش از اندازه بر روی مسائل پیش پا افتاده‌ای مانند تالار گرفتن یا نگرفتن، عقدخوانی در خانه یا در دفاتر ازدواج، محل خرید لباس، میزان خرید طلا و جواهرات، مقایسه مهریه دختر و پسر خود با دیگران و ... می‌باشد و در بعضی موارد این مسائل آنچنان برایشان مهم می‌باشد که منجر

مهم «آمادگی برای ازدواج» می‌باشد که اگر به این عامل توجه کافی مبذول گردد، خود افراد هم می‌توانند به راحتی دریابند که آیا برای ازدواج از جنبه‌های مختلف آمادگی دارند یا خیر. در شرایط فعلی متأسفانه اکثر ازدواج‌ها بدون توجه به این عامل مهم صورت می‌گیرد یعنی از همان ابتدا **ازدواج نامناسب** انجام می‌شود و دختر و پسر بدون آمادگی لازم ازدواج می‌کنند که نتیجه آن اختلافات خانوادگی و در نهایت افزایش طلاق می‌باشد. این کتاب شرایط آمادگی برای ازدواج را بررسی می‌کند و امید است برای خانواده‌ها به طور عام و برای جوانان به طور خاص مفید واقع گردد.



^۱ ازدواج نامناسب زمانی است که یکی از زوجین یا هر دو آنان، آمادگی لازم را برای ازدواج را نداشته‌اند هر چند در سن ازدواج بوده‌اند. اگر چه سن یکی از شرایط لازم آمادگی برای ازدواج است ولی شرط کافی نیست.

به دعوای خانواده‌های عروس و داماد شده و از همان اول، ازدواج فرزندان آنان با مشکل شروع می‌شود.

در مدارس نیز، در مورد شیوه صحیح ازدواج و اینکه فرد چگونه و بر اساس چه معیارهایی باید همسر آینده خود را انتخاب کند و چگونه او را بشناسد، هیچگونه آموزشی داده نمی‌شود.

در دانشگاه‌ها هم در این خصوص، واحد درسی وجود ندارد، بلکه فقط یک یا دو واحد درسی (تا سال‌های اخیر) تحت عنوان تنظیم خانواده (که اینک دانش خانواده و جمعیت به جای آن ارائه می‌گردد) تدریس می‌شد که موضوع آن انتخاب همسر و شیوه صحیح ازدواج نبود بلکه در خصوص شیوه‌های پیشگیری از بارداری و اثرات جمعیت زیاد و داشتن فرزندان کم و بهداشت مربوط به زایمان بود. در صورتیکه، قبل از آن لازم است به جوانان شیوه‌های صحیح ازدواج، آمادگی برای ازدواج و معیارهای صحیح انتخاب همسر در دوران کنونی زندگی که با دوران والدینشان خیلی متفاوت است آموزش داده شود.

همچنین در رسانه‌های گروهی در این خصوص به صورت کاربردی آموزش چندانی وجود ندارد یا بسیار کم می‌باشد (البته اخیراً برنامه‌های صدا و سیما کاربردی‌تر شده‌اند) و در دنیای امروزی که دائماً در حال تغییر است و هر روزه مشکلات جدیدی به وجود می‌آید، آموزش روش‌های گذشته برای ازدواج تأثیر زیادی ندارد. بنابراین لازم است روش‌های درست و مؤثر ازدواج در جامعه امروزی به جوانان یاد داده شود به عبارتی دیگر **شیوه ازدواج عاقلانه و زندگی عاشقانه** به آنها آموزش داده شود.

در این راستا تمام سازمان‌ها و نهادهای جامعه لازم است به پرسنل خود دوره‌ها و کارگاه‌ها و کلاس‌هایی ترتیب داده و از کارشناسان مربوطه بخواهند در این خصوص، آموزش‌های لازم را ارائه دهند. البته منظور این نیست که مثلاً دو ساعت کلاس آموزش خانواده و امثالهم بگذارند و آن را به عنوان آموزش ازدواج به جوانان تلقی کنند، بلکه به طور مداوم و مستمر (حداقل ۵ ساعت در هفته) و به صورت خاص مباحث مربوط به ازدواج عاقلانه و زندگی عاشقانه را برای جوانان آموزش دهند. اینگونه کلاس‌ها باید بعنوان واحدهای عمومی اجباری در دانشگاه‌ها ارائه گردد و همچنین ادارات، سازمان‌ها، شرکت‌ها، کارخانجات و پادگان‌ها و تمامی نهادهایی که با جوانان سر و کار دارند، دوره‌های آموزش اجباری ازدواج را به طور جدی و مستمر برگزار کنند. اگر این آموزش‌ها به صورت صحیح و مستمر انجام گیرد، چه بسا از بسیاری از مشکلات خانوادگی و طلاق پیشگیری خواهد شد. چرا که یکی از عوامل مهم طلاق به قبل از ازدواج یعنی آمادگی فرد برای ازدواج، نوع انتخاب

همسر و ... مربوط می‌شود، یعنی افراد از همان ابتدا به صورت غلط ازدواج میکنند و در نتیجه بعدها هم، زندگی آنان دچار مشکلات اساسی و جدی می‌گردد.

تأکید مولفان این کتاب بر این است که ازدواج‌ها باید عاقلانه و زندگی‌ها هم باید عاشقانه باشد ولی در بسیاری از موارد، ازدواج‌ها جاهلانه و زندگی‌ها خصمانه می‌باشد. بررسی وضعیت خانواده‌های امروزی نشان می‌دهد که از لحاظ روابط خانوادگی و چگونگی ارتباط بین اعضای خانواده می‌توان چهار نوع خانواده را از هم تفکیک کرد:

اول: خانواده‌هایی هستند که آنقدر روابط بین زن و شوهر خصمانه و ناراحت‌کننده بوده است که آنها تحمل خود را از دست داده و به قانون متوسل شده‌اند و در دادگاه پرونده تشکیل داده و خواهان جدایی هستند.

دوم: خانواده‌هایی هستند که هر روز با هم دعوا می‌کنند و بر سر هر مسأله کوچکی داد و فریاد و جنگ و دعوا به راه می‌اندازند، مثلاً: وقتی مهمانی می‌روند و یا مهمان دعوت می‌کنند، وقتی فرزندان‌شان در امتحان مردود می‌شوند دعوا می‌کنند. در هنگام تماشای تلویزیون؛ در اعیاد و عزاداری‌ها و ... دعوا می‌کنند و به طور کلی در اینگونه خانواده‌ها، ویژگی اصلی روابط بین اعضای آن، دعوا و جنگ کردن، بگو مگو، فریاد زدن، ناسزا گفتن، به یکدیگر توهین کردن و حتی در بیشتر موارد کتک زدن می‌باشد.

سوم: خانواده‌هایی هستند که مشخصه اصلی آنها سکوت می‌باشد. اعضای این نوع خانواده نه با یکدیگر دعوا می‌کنند، نه با یکدیگر حرف می‌زنند و نه با یکدیگر درد دل می‌کنند. به عنوان مثال در این نوع خانواده پدر در خانه بیشتر روزنامه می‌خواند یا اخبار گوش می‌کند، مادر خیاطی کرده و یا کاموا می‌بافد و یا مشغول کار دیگری است، پسر با اینترنت و دختر هم، به پیامک دادن سرگرم است (این خانواده به اصطلاح امروزی دچار طلاق عاطفی می‌باشد). در این خانواده‌ها پدر و مادر از نیازها و روحیات فرزندان خود بی‌خبرند و از اینکه آنان به چه چیزهایی در زندگی برای سعادتمند شدن نیازمندند و چه آموزش‌هایی لازم دارند؟ چه دردی دارند؟ از چه چیزی رنج می‌برند؟ از چه چیزی خوشحال می‌شوند؟ و مواردی از این قبیل آگاهی ندارند. فرزندان هم از وضعیت مالی والدین و از خواسته‌ها و انتظارات آنان بی‌خبرند.

چهارم: خانواده‌هایی هستند که عاشقانه زندگی می‌کنند، یکدیگر را دوست دارند، با یکدیگر مهربان هستند، با همدیگر حرف می‌زنند و از آن لذت می‌برند، روحیات و نیازهای یکدیگر را می‌شناسند و برای تأمین آن نیازها تلاش می‌کنند، یکدیگر را خوب می‌شناسند، به یکدیگر محبت می‌کنند، با یکدیگر صمیمی هستند، آگاه و دانا بوده و با یکدیگر صادق

هستند، شفافیت در گفتار و رفتار آنان وجود دارد، برای تأمین نیازهای عاطفی یکدیگر توانایی کافی دارند، برابری در حقوق اجتماعی را رعایت می‌کنند، به استقلال یکدیگر اهمیت می‌دهند، با یکدیگر در مورد مسائل مختلف مشورت می‌کنند، از زحمات یکدیگر و از کارهایی که اعضاء خانواده برای همدیگر انجام می‌دهند قدردانی می‌کنند، به یکدیگر وفادار هستند، با یکدیگر همکاری می‌کنند تا به موفقیت دست پیدا کنند، آرامش در زندگی آنان موج می‌زند، از نوازش فیزیکی و کلامی یکدیگر غافل نیستند، صحبت آنان بیشتر با عباراتی مانند خواهش می‌کنم و لطفاً شروع می‌شود و با کلماتی همچون ممنون و متشکرم پایان می‌یابد.

اختلافات در سه نوع خانواده‌ای که روابط خوبی با یکدیگر ندارند بیشتر است و احتمال اینکه زن و شوهر در اینگونه خانواده‌ها به جدایی بیندیشند، زیاد می‌باشد. افزایش آمار طلاق‌ها نشان می‌دهد که یکی از علل مهم طلاق، روابط خانوادگی نامناسب بین اعضای خانواده می‌باشد. همانطور که اشاره گردید طلاق علل گوناگونی دارد که بنظر مؤلفان این کتاب یکی از مهمترین آن‌ها ازدواج نادرست می‌باشد یعنی ازدواج‌ها آگاهانه و از روی شناخت قبلی صورت نمی‌گیرد، یعنی دختر و پسر یکدیگر را آنچنان که لازم است نمی‌شناسند و در صورت مشاهده رفتار غلط طرف مقابل یا سخنان نسجیده او، فقط ناراحت می‌شوند، ولی تلاش نمی‌کنند که از رفتار و گفتار طرف مقابل به احساسات و روحیات و نوع نگرش و اعتقادات و باورهای او پی ببرند و جالب ولی عجیب این است که گاهی اوقات، زمانی که افراد از رفتار نامزد خود رنجیده خاطر شده و با والدین خود در آن خصوص درددل یا گلایه کرده و نگرانی خود را ابراز می‌کنند والدین سعی می‌کنند، رفتار نامزد وی را توجیه کنند. مثلاً در صورت مصرف سیگار نامزد فرزندشان می‌گویند: به خاطر تو ترک می‌کند، یا شکاکیت بیش از اندازه او را، به عنوان دوست داشتن فرد قلمداد می‌کنند. در صورتی که شکاکیت یک اختلال شخصیتی است و حتماً قبل از ازدواج باید معالجه گردد در غیر اینصورت شکلات فراوانی در زندگی مشترک افراد به وجود خواهد آمد و با این توجیه که اگر ازدواج کند رفتار خوب می‌شود و یا بیماریش بهبود می‌یابد این اختلال درمان نخواهد شد. ازدواج نه کار یک پزشک یا یک متخصص روانشناس و یا جامعه‌شناس را انجام می‌دهد و نه یک بیمارستان رفتاری و روانی است که با بستری شدن در آن فرد دچار بیماری روانی درمان گردد. در واقع کاملاً بر عکس نیز می‌باشد یعنی به طور فرضی اگر پسری دچار سوءظن بوده و رفتار نامناسبی دارد و یا اگر دختری دچار اضطراب و افسردگی است، بعد از ازدواج این حالات به احتمال قوی تشدید خواهد شد، بدین معنی که اگر یک فرد در حال

تجرد عصبانی و افسرده است و نمی‌تواند رفتارش را مدیریت کند، پس از ازدواج چون مسئولیت در قبال فرد جدیدی برای او پیش می‌آید، وضعیت او بدتر می‌شود. بنابراین در اینگونه موارد دختر و پسر باید حتماً مشکل افسردگی و شکاکیت و عصبانیت خود را با مراجعه به مراکز مشاوره و روانشناسان و روانپزشکان حل کنند و سپس به ازدواج درست بیندیشند و اقدام کنند. بر فرض مثال فردی را در نظر بگیرید که فوتبال بازی کردن را دوست دارد اما پاهایش شکسته است ولی با این وجود اطمینانش به او پیشنهاد می‌کنند که اگر به زمین بازی برود و فوتبال بازی کند پاهایش خوب می‌شود، پرواضح است که این امری غیر ممکن است چرا که این فرد با پاهای شکسته حتی نمی‌تواند به طور عادی راه برود چه رسد به اینکه فوتبال بازی کند بنابر این می‌بایست تلاش خویشاوندانش، این باشد که اول او را به بیمارستان ببرند تا پاهایش درمان و بهبود یابد، پس از آن می‌تواند وارد زمین شده و فوتبال بازی کند.

بنابراین نظرمؤلفان کتاب این است که اگر ازدواج‌ها درست صورت گیرد و دختر و پسر با شناخت درست یکدیگر، ازدواج کنند، زندگی زناشویی آنان بهتر خواهد شد؛ لذا مباحث مربوط به ازدواج در چهار جلد کتاب، با عنوان اصلی «ازدواج عاقلانه و زندگی عاشقانه» و با عنوان‌های فرعی به شرح زیر تدوین و ارائه می‌گردد:

کتاب اول یعنی کتابی که در دست دارید، تحت عنوان «آمادگی برای ازدواج» به این نکته توجه دارد که بسیاری از جوانانی که پس از ازدواج دچار اختلافات خانوادگی شده‌اند، آمادگی ازدواج را نداشته‌اند و بدون آنکه از نظر عاطفی، روانی، اجتماعی، عقلانی و اخلاقی به رشد کافی رسیده باشند تحت تأثیر جو خانواده و فرهنگ جامعه و یا بر اساس رشد فیزیولوژیک و جسمانی و مسابلی از این قبیل تن به ازدواج داده‌اند. به همین علت در این کتاب شرایط آمادگی برای ازدواج که یکی از عوامل تضمین‌کننده موفقیت در این امر می‌باشد، مورد توجه قرار گرفته و بررسی شده است.

کتاب دوم به موضوع «روش‌های شناخت همسر آینده» اختصاص دارد با توجه به اینکه اکثر ازدواج‌هایی که به شکست منجر شده است، ناشی از عدم شناخت زوجین از یکدیگر بوده است و با توجه به اینکه در جامعه ما از طرف خانواده‌ها و نهادهای اجتماعی دیگر، آموزش‌های لازم به جوانان در این خصوص داده نشده است، در این کتاب بیان خواهد شد که چگونه جوانان قبل از ازدواج یکدیگر را بشناسند.

در کتاب سوم تحت عنوان «ملاک‌ها و معیارهای درست انتخاب همسر در شرایط امروزی زندگی اجتماعی و با توجه به ویژگی‌های جامعه فعلی ایران»، ابتدا توضیحی

در خصوص ازدواج‌های امروزی ارائه می‌شود و سپس ملاک‌های مناسب جهت ازدواج موفق معرفی و تشریح می‌شود تا جوانان بدانند چه ملاک‌هایی را برای ازدواج در نظر بگیرند تا پس از ازدواج پشیمان نشوند.

و بالاخره کتاب چهارم به «روابط زناشویی و بهتر کردن آن» اختصاص دارد یعنی در این کتاب راهکارهایی به زوجین ارائه شده است که پس از ازدواج چگونه با یکدیگر رفتار کنند تا زندگی خوب و لذت‌بخشی داشته باشند.

آمادگی برای ازدواج

یک ازدواج موفق مستلزم آماده بودن پسر و دختر برای زندگی مشترک می‌باشد، دختر و پسری که قصد ازدواج دارند قبل از هر چیز لازم است به این نکته اساسی فکر کنند که آیا آماده ازدواج هستند یا به دلایل گوناگونی از جمله، فشار خانواده بخصوص در جوامع روستایی، فشارهای اجتماعی، ترس از بالا رفتن سن، نگرانی از پیدا نکردن همسر مناسب در آینده و یا حتی به خاطر ازدواج همسن و سالان خویش و مواردی از این قبیل ازدواج می‌کنند، بنابراین خیلی از ازدواج‌هایی که منجر به شکست شده است ناشی از عدم آمادگی زوجین برای تشکیل خانواده بوده است یعنی دختر و پسر شرایط لازم برای ازدواج را نداشته‌اند ولی ازدواج کرده‌اند. البته نه اینکه حتماً اختلاف زوجین به طلاق منجر می‌شود و یا حتماً اختلاف پیدا می‌کنند، بلکه منظور این است که احتمال اختلاف بین آنها افزایش پیدا می‌کند. پس لازم است ازدواج زمانی صورت گیرد که دختر و پسر شرایط آمادگی ازدواج را داشته باشند.



شرایط آمادگی برای ازدواج

- ۱- رسیدن به حداقل بلوغ
- ۲- رسیدن به ثبات و قرار
- ۳- رسیدن به استقلال و همبستگی
- ۴- سلامت فیزیکی و روانی
- ۵- توانایی زندگی مشترک داشتن
- ۶- تمایل به فرزند داشتن
- ۷- داشتن احساس مسئولیت و احساس تعهد
- ۸- داشتن اعتماد و اطمینان و امنیت
- ۹- مهربان بودن
- ۱۰- رفع مشکلات خانوادگی
- ۱۱- درمان آسیب‌های دوران کودکی
- ۱۲- توانایی نفر اول داشتن در زندگی
- ۱۳- شناخت از خود
- ۱۴- شناخت از جنس مخالف
- ۱۵- دوست داشتن فرد انتخابی برای ازدواج
- ۱۶- دارا بودن حداقل امکانات برای تأمین نیازها
- ۱۷- توانایی تصمیم‌گیری و عدم وابستگی
- ۱۸- داشتن باورهای منطقی در مورد ازدواج
- ۱۹- قطع کردن روابط گذشته
- ۲۰- قوانین فردی مناسب داشتن
- ۲۱- نگرش انسانی داشتن به خود و دیگران
- ۲۲- مناسب بودن برای ازدواج
- ۲۳- داشتن انگیزه مناسب برای ازدواج



رسیدن به حداقل بلوغ

وقتی از بلوغ صحبت می‌شود در وهله اول ممکن است افراد به رشد فیزیکی توجه کنند اما بلوغ، تنها بلوغ فیزیکی نیست که البته برای ازدواج این بلوغ نیز لازم است ولی به تنهایی کافی نیست. بلوغ جنبه‌های دیگری هم دارد که هر فرد باید به آن‌ها هم توجه کند و تلاش کند به حداقل آنها برسد تا یکی از شرایط آمادگی برای ازدواج را داشته باشد، بنابراین برای آشنایی خوانندگان محترم به انواع بلوغ اشاره می‌گردد:

۱-۱: بلوغ فیزیولوژیک - جسمانی

۱-۲: بلوغ عاطفی

۱-۳: بلوغ اجتماعی

۱-۴: بلوغ عقلانی

۱-۵: بلوغ اقتصادی

۱-۶: بلوغ اخلاقی

۱-۱- بلوغ فیزیولوژیک - جسمانی

معمولاً بلوغ جسمانی دختران در ۱۱ تا ۱۲ سالگی و پسران در ۱۲ تا ۱۳ سالگی شروع می‌شود، همانطوریکه اشاره شد بلوغ جسمانی برای ازدواج لازم ولی کافی نیست. اگر دختر و پسر به بلوغ فیزیولوژیک نرسند و ازدواج کنند ممکن است در زندگی زناشویی با مشکلات مواجه شوند که استحکام خانواده را به خطر می‌اندازد چون روابط زناشویی عمیق‌ترین و با معنی‌ترین ارتباط بین زن و شوهر بوده و نه تنها وسیله بقای نسل آینده است بلکه موجب استحکام پیوند عاطفی بین زوجین و حتی موجب سلامتی فیزیکی و روانی آنان می‌گردد. واقعیت‌ها حاکی از آن است که اکثر زوجین در مرحله‌ای از زندگی زناشویی خویش، مشکلات زناشویی را تجربه می‌کنند و حتی یکی از علل طلاق همین امر می‌باشد. اما متأسفانه، صحبت درباره مسائل زناشویی در جامعه ما تابو شده است، یعنی منع اجتماعی دارد. مثل اینکه حرام است البته نه حرام شرعی، بلکه حرام اجتماعی که مردم درباره آن

گفتگو نمی‌کنند و با وجود اینکه در این خصوص، به آگاهی در سطوح مختلف اجتماعی احساس نیاز می‌شود اما به این نیاز آنچنانکه بایسته است پاسخ داده نمی‌شود و این به نوبه خود می‌تواند عاملی مهم برای نارضایتی زوجین از یکدیگر و چه بسا طلاق باشد. به نظر می‌رسد اکنون زمان آن فرا رسیده است، کتاب‌هایی در خصوص مسائل زناشویی و بلوغ فرزندان تألیف شود و آگاهی‌های لازم به آنها داده شود، همانطوریکه وجود یک توضیح‌المسایل در هر منزل تقریباً واجب حساب می‌شود و افراد با رسیدن به سن تکلیف شرعی (۹ سالگی برای دختران و ۱۳ سالگی برای پسران) جهت یافتن پاسخ سئوالات شرعی‌اشان به آن مراجعه می‌کنند، زوجین هم برای آگاهی از مسائل و مشکلات زناشویی خود در مواقع ضروری از این نوع کتاب‌ها استفاده کنند. بدین وسیله پیشنهاد می‌شود مانند وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی از متخصصان مربوطه که در این حیطه فعالیت و تخصص دارند بخواهد که کتاب‌هایی در این خصوص تألیف کنند و در اختیار خانواده‌ها قرار دهند. این یکی از روش‌هایی است که افراد با مطالعه این نوع کتاب‌ها به سهولت درمی‌یابند که آیا به بلوغ جسمی و جنسی رسیده‌اند یا نه.

برای اینکه افراد مطمئن باشند که به بلوغ جسمی رسیده‌اند باید ویژگی‌های زیر را داشته باشند:

الف: برخورداری از یک سلامت نسبی و عدم وجود اختلالات و بیماری‌های جدی ازجمله:

- اکثر بیماری‌های روانی مانند افسردگی و وسواس و ...

- اختلالات شخصیتی مانند: شخصیت شکاک و شخصیت ضد اجتماعی (جوانان می‌توانند با مراجعه به روانشناسان و روانپزشکان درباره این نوع اختلالات، اطلاعات دقیق دریافت کنند).

- بیماری‌های مقاربتی

- اعتیاد (مواد مخدر، قمار و الکل)

- ناتوانی جنسی

- برخی از بیماری‌های ژنتیکی

ب: داشتن آگاهی و اطلاعات لازم و کافی در مورد خصوصیات دستگاه تناسلی و فعالیت جنسی هر دو جنس.

ج: طبیعی بودن دستگاه تناسلی و ویژگی‌های جنسیتی.

د: رفتارهای جنسی سالم (تخیلات و رفتارهای جنسی بیمارگونه مانند خودآزاری و دیگرآزاری نداشته باشند).

ه: رفع مشکلات جسمی و ظاهری ناخوشایند در صورت امکان و توان^۱.

علائم و نشانه‌های هشدار دهنده:

در صورت وجود هر یک از حالات زیر بهتر است برای اطمینان خاطر، قبل از ازدواج با پزشک مشورت شود.

الف: مردان

- حتی در خواب دچار نعوذ کامل نمی‌شوند.

- قادر به کنترل و به تأخیر انداختن زمان انزال خود نیستند.

- موهای شرمگاهی پراکنده و نازک دارند.

- لگن مساوی یا پهن‌تر از شانه‌هاست.

- برزگی سینه‌ها

ب: زنان

۱- نامنظم بودن عادات ماهانه

۲- رویش موهای ضخیم در صورت و یا حد فاصل بین ناف تا شرمگاهی

۳- گردن کوتاه داشتن و پره گردنی بودن

۴- برزگی غیر عادی کلیتوریس^۲

۵- رشد ناکافی پستان‌ها

۲-۱- بلوغ عاطفی

عواطف نیروهای روانی هستند که زندگی فرد را تحت تأثیر قرار می‌دهند به عنوان مثال، اگر فردی سخنرانی می‌کند این رفتار او از سه بخش تشکیل شده است که عبارتند از:

۱- بخش حرکتی یعنی توانایی حرف زدن

۲- بخش معرفتی یعنی دانستن و آگاهی و داشتن اطلاعات در مورد موضوع سخنرانی

۳- بخش انگیزشی یعنی داشتن انگیزه برای سخنرانی یا حرف زدن.

ممکن است فردی توانایی حرف زدن را داشته باشد که به بخش حرکتی مربوط است و

اطلاعات کافی در مورد موضوع داشته باشد که به بخش معرفتی مربوط است، ولی انگیزه

^۱ آمادگی و شرایط لازم برای ازدواج، سید اصغر ساداتیان و ماهیار آذر، انتشارات ما و شما، چاپ پنجم، پاییز ۱۳۹۱، صص

۱۳۱-۱۳۰

^۲ کلیتوریس یک بافت نعوظ پذیر لوله‌ای شکل در خط میانی بالای فرج بوده و مهمترین و اصلی‌ترین ارگان یا بافت شرکت کننده در تحریک جنسی زن است. ر. ک. دکتر اصغر ساداتیان و دکتر ماهیار آذر، مسائل و مشکلات زناشویی، انتشارات ما و شما، چاپ سوم، بهار ۱۳۹۲، صص ۲۱۰.